

تغییر و تحول اصطلاح «استصوابیات» در نظام اداری و مالی ایران

الهه محبوب فریمانی*

مهری ادریسی**

چکیده

بررسی دقیق واژگانی که در منابع تاریخی و اسناد آمده، می‌تواند راهگشای کاربرد آن در بستر زمان باشد. و سیر تغییر و تحولات نظام مربوط به اصطلاح مورد بررسی را روشن سازد. یکی از واژگانی که در منابع و اسناد در کنار سایر اصطلاحاتی چون اخراجات و تکالیف دیوانی آمده است، استصوابیات یا استصوابی است.

اینکه کلمه مزبور اصطلاح است یا خیر و تغییر و تحولات معنایی و کاربردی آن در بستر زمان در نظام اداری و مالی ایران به چه صورت بوده، مساله اصلی مقاله است.

این مقاله با روش توصیفی - تطبیقی و با استفاده از منابع کتابخانه ای و اسناد آرشیوی به کنکاش موضوع مورد بحث می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به تغییرات مفهومی استصوابیات در متون، این واژه، غیر از معنی رایج لغوی آن، اصطلاحی در حوزه نظام اداری و مالی ایران بوده که در طول زمان کارکرد آن تغییر یافته است. و به مجموعه‌ای از مالیات‌ها به ویژه مالیات‌های غیر رسمی گفته می‌شود که بیشتر در احکام و اگذاری معافیت مالیاتی سیورغالات رواج داشته است. هم چنین به عنوان نوعی هزینه خاص در دفتر توجیحات ثبت می‌گردید و در دوره قاجار به صورت حواله دیوانی و گونه‌ای پرداخت مواجب بوده است.

کلیدواژه‌ها: اصطلاحات اداری و مالی، استصوابیات، مالیات، مواجب.

* دکترای تاریخ و کارشناس پژوهش، مرکز اسناد آستان قدس رضوی (نویسنده مسئول)
e.88.mahboob@gmail.com

** استادیار تاریخ، دانشگاه پیام نور، edrisime@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۶/۱

۱. مقدمه

بررسی اصطلاحات اداری که در نظام دیوان‌سالاری کاربرد داشته و در طول تاریخ کارکرد ویژه داشتند می‌تواند در روشن ساختن نظام دیوانی ایران موثر باشد. به همین جهت لازم است تا جستجوی عمیق‌تر نسبت به هر اصطلاح در بستر تاریخی و مکانی صورت پذیرد تا تغییر و تحولات و کارکرد آن آشکار گردد.

در این میان کاربرد برخی واژگان و اطلاق اصطلاح بر آن مبهم می‌نماید، اینکه می‌توان بر روی کلماتی که در بعضی اسناد و متون می‌آیند، نگاه خاصی داشته و عنوان اصطلاح یعنی لفظی که در نزد گروه خاصی، معنایی غیر از معنی اصیل و اولیه و لغوی خود داشته باشد، گذاشت.

یکی از این واژگان که در اسناد و منابع مربوط به سیاق بیشتر از آن نام برده شده «استصوابی» یا «استصوابیات» است. هدف از این مقاله، بررسی نقش این کلمه در نظام اداری و دیوانی ایران است و پاسخ به این سوالات که آیا می‌توان آن را نوعی اصطلاح در نظام اداری قلمداد کرد؟ در صورت مثبت بودن سوال نخست، کاربرد این اصطلاح و تغییر و تحولات مترتب به آن چه بوده است؟

به نظر می‌رسد با توجه به مفاهیم و معانی این واژه در نظام اداری ایران، «استصوابیات» یا «استصوابی»، نوعی اصطلاح اداری و مالی بوده که از دوره صفوی تا قاجار کارکرد آن متحول شده است.

در مورد پیشینه پژوهش، از آنجایی که این واژه عمدتاً به همراه تکالیف دیوانی و یا اخراجات به کار رفته است، در پژوهش‌ها توجهی چندانی به آن نشده است. شاید همان نگاه عمومی داشتن به این واژه، باعث غفلت از آن شده است. البته مینورسکی در مقاله «سیورغال» و ویلم فلور در «تاریخچه مالی و مالیاتی ایران»^۱ این اصطلاح را به کار برده و تنها در یک سطر آن را معنی کرده‌اند، بدون اینکه به تغییرات آن پردازند.

بستر به کارگیری این واژه بیشتر در اسناد است. در اسناد مربوط به معافیت مالیاتی و اسناد مالی چون پروانچه‌ها، یا واگذاری سیورغالات، این اصطلاح عموماً به همراه اخراجات و تکالیف دیوانی به کار رفته است. در اسناد مالی دوره قاجار نیز این واژه بیشتر با موجب و رسوم همراه شده است. نیز در دفاتر توجیهات، در ذیل عوض‌المذکور، این اصطلاح در صدرحساب قرار گرفته است. در برخی منابع مربوط به سیاق و علم استیفا این اصطلاح ثبت شده است که به آن پرداخته خواهد شد. بنابراین با توجه به منابع فوق، برای

نخستین بار، این واژه مورد بررسی قرار خواهد گرفت تا اهمیت توجه به این لغات در متون تاریخی بیشتر شود.

۲. معنی لغوی استصوابیات

استصواب، کلمه ای عربی، در لغت به معنی مصوب، صواب خواستن، صواب داشتن، صواب دیدن و مجوز گرفتن است. استصوابیات جمع این واژه است. در برخی متون قدیم و منابع تاریخی، به همین معنی به کار رفته است (نرشخی، ۱۳۶۳: ۳۴۳؛ خورموجی، ۱۳۴۴: ۲۱۳/۱؛ جهانگیر میرزا، ۱۳۸۴: ۳۳۰؛ رشید الدین فضل الله، ۱۳۸۷: ۲۰).

به عنوان نمونه در تاریخ بیهقی آمده است «که نامه های سلطان نویسند به استصواب وی و هر حالی نیز به مجلس سلطان باز نماید» (بیهقی، ۱۳۸۸: ۵۱۷/۱). و یا جوینی می نویسد: «کورکوز به استصواب جینقای بر آن قرار رضا نداد به علت آنکه محاسبات چندین ساله بی حضور او مفروغ نگردد» (جوینی، ۱۳۸۵: ۵۴۷/۲). یا در عصر صفوی: «بی استصواب نواب اعلی خراسان را گذاشته به قندهار آمده بود» (خور شاه بن قباد، ۱۳۷۹: ۱۳۵). بنابراین در بیشتر متون تاریخی، معنی لغوی استصوابی رواج داشته است. غیر از آن اصطلاح «ناظر استصوابی»^۲ و یا «استصواب عالم» در وقفنامه ها برای اداره موقوفات به کار می رفت (باقریان موحد، ۱۳۹۳: ۱۳۳؛ جعفریان، ۱۳۷۹: ۹۲۳/۲).

۳. معنی اصطلاحی استصوابیات

با توجه به کارگیری این واژه در اسناد، چند مفهوم و برداشت را می توان برای این اصطلاح در نظر گرفت که این مفاهیم نشان می دهد که استصوابی یا استصوابیات نوعی اصطلاح در نظام اداری ایران بوده است که کاربرد های مختلفی پیدا می کند.

۱.۳ استصوابیات به مثابه مجموعه ای از مالیات ها

در برخی فرمان های مورد بررسی از دوره صفوی، افشاریه و زندیه، استصوابیات همراه با اخراجات، عوارضات و تکالیف دیوانی به کار رفته است. با توجه به معانی واژگان هم سنگ این کلمه به نظر می رسد که استصوابیات را به دسته ای از مالیات ها می توان اطلاق کرد.

برای همین، کلمات همراه این واژه بررسی می شود تا نقش این اصطلاح در کنار این واژگان مشخص شود؛ اخراجات در لغت یعنی هزینه‌ها، خرج‌ها و مالیات (انوری، ذیل واژه). در دوره‌های مختلف اخراجات هم برای هزینه‌های دیوانی به کار رفته است «اگر ما را وسع مؤنت و اخراجات لشکر خراسان دست دادی آن اعمال با تدبیر دیوان خویش گرفتمانی» (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۱۱۱؛ کتبی، ۱۳۶۴: ۹۶؛ انوری، ۱۳۷۳: ۶۴ و ۶۵). و هم در مفهوم مالیات (قمی، ۱۳۸۵: ۳۷۷). در تاریخ قم علاوه بر معنی مالیات به مفهوم مخارج هم آمده است (قمی، ۱۳۸۵: ۷۲۶).

در دوره مغول و تیموری، اخراجات مالیات فوق‌العاده، غیرمستمر و اتفاقی بوده است (وصاف الحضرة، ۱۳۳۸: ۲۹۷؛ رشید الدین فضل الله، مکاتبات، ۱۳۶۴: ۲۸؛ شریک امین، ۱۳۵۷: ۱۶؛ پطروشفسکی، ۱۳۴۴: ۲۸۱/۲؛ روستایی، ۱۳۹۵: ۴۶۰). نیز مالیاتی که برای مصارف دیوانی وصول می‌شد (لمبتون، ۱۳۶۲: ۷۵۲؛ آیتی، ۱۳۸۳: ۳۵۹) و موقوفات از پرداخت آن معاف بودند (رشید الدین فضل الله، سوانح، ۱۳۵۸: ۱۴۵؛ آیتی، ۱۳۸۳: ۲۱۰). اما اخراجات به گروهی از مالیات‌ها هم که برخی از آن‌ها دائمی بودند، اطلاق می‌شد. این گونه مالیات‌ها که برای تأمین مخارج نگهداری صاحب‌منصبان دولتی مأخوذ می‌گردید گاهی به نام «رسم» خوانده می‌شد. گذشته از این گونه مالیات‌های دائمی یا اخراجات مقرری که در دفاتر مالی ضبط بوده، اخراجات فوق‌العاده نیز وجود داشته که اصطلاح «خارجیات» به این گونه رسوم اطلاق می‌شد (نخجوانی، ۱۹۶۴: ۴۰۰/۱؛ آیتی، ۱۳۸۳: ۲۱۰؛ رشید الدین فضل الله، جامع التواریخ، ۱۳۸۷: ۱۹۰؛ پطروشفسکی، ۱۳۴۴: ۲/۲۸۲).

کرمانی اخراجات را جمع اخراج و اخراج مصدر باب افعال به معنی بیرون کردن دانسته است و نظرش در مورد اخراجات یک اصطلاح جدید است که مواردی چون «پیشکش» و «سلامی»^۳ را دربرمی‌گیرد «چون اخراجات ابواب جمع نیست و بدعتی چند است که هر کس نهاده‌اند سرکله و پیشکش و سلامیها و غیره از آن‌ها بیرون می‌آید لهذا اخراجات می‌نامند» (کرمانی، سریع الحساب: ب: ۶۸). در فرمان شاه اسماعیل اخراجات جزو تکالیف دیوانی بر شمرده شده است (ستوده، ۱۳۷۷: ۶/۶). جامع مفیدی هم اخراجات و تکالیف دیوانی را باهم به کار برده است (مستوفی بافقی، ۱۳۸۴: ۳/۳۲۱).

به نظر می‌رسد اخراجات در دوره صفوی در هر دو معنی - هزینه‌ها و مالیات - اطلاق می‌شده است (میرزا سمیعا، ۱۳۶۸: ۱۱؛ مستوفی بافقی، ۱۳۸۴: ۱۴۱/۳). نیز وظیفه وزیر

بیوتات این بود که روزنامهچه اخراجات بیوتات را تصحیح و به مهر ناظر بیوتات برساند (میرزا رفیعا، ۱۳۸۰: ۵۹۲).

عوارضات نیز مالیات فوق العاده و غیرمعهود بوده که علاوه بر مالیات معین از رعایا می گرفتند (فرهنگ نفیسی: ذیل واژه). چنان که در فرمان شاه تهماسب دوم دستور داده شده که مزرعه روشن آباد واقع در استرآباد را که از موقوفات جد اعلا می رسید مفید موسوی استرآبادی بوده است به او واگذارند و این دهکده را از عوارضات و صادرات دیوانی و مملکتی مستثنا دانند (ستوده، ۱۳۷۷: ۵/۸). «تکالیف دیوانی» نیز مالیات‌هایی بود که در فقه اسلامی پیش‌بینی نشده، مثل خراج، ولی رعایا مکلف به پرداخت آن بودند (رشید الدین فضل الله، سوانح الافکار، ۱۳۵۸: ۳۷؛ آیتی، ۱۳۸۳: ۳۶۳؛ پطروشفسکی، ۱۳۴۴: ۲/۲۶۲).

استصوابیات نیز معمولا همراه با اصطلاحات فوق در فرامین به کار رفته است که در واقع به مجموعه‌ای از مالیات‌ها گفته می شد. گاهی در فرمان دقیقاً مشخص بود که استصوابیات شامل چه گونه‌هایی از مالیات پرداختی است و گاهی این واژه در کنار سایر انواع مالیات به کار می رفت. در برخی فرمان‌ها، تعداد مالیات‌هایی که بر آن‌ها استصوابیات تلقی می گردد بسیار است؛ بررسی فرمان‌ها نشان می دهد که این دسته از مالیات‌ها شامل رسم الوزاره، حق الوکاله، حق الانشاء، حق الاوارجه، ساوری^۵، پیش کش، رسوم داروغگی^۶، کلانتری جزو کل، حق التقابه، حق الاحتساب^۷، دوشلک^۸، وزیر، وکیل، مستوفی، زرقعه، باره، بیگار، شیکار، خانه‌سازی، مهمانی، طرح، پنبه، ابریشم، منکسر فلوس و شاهی، علفه و علوفه، توجیه، مدد خرج، قابضانه و ناظرانه، زر کوچه، میر شب، عسس^۹ و چهارده یکی که ارباب ولایت بر محترفه شهر و بلوکات می رسانند بود (ستوده، ۱۳۷۷: ۳۳/۶). اما عمده مالیات‌های به کار رفته در این زیرمجموعه شامل علفه، علوفه، قنلقا، الام، الاغ، بیگار، شکار، طرح، دست‌انداز، سرشمار، عیدی و نوروزی است.

علفه و علوفه مالیاتی بود که برای تأمین آذوقه و علوفه لشکریان و ایلچیان دریافت می شد (رشید الدین فضل الله، سوانح الافکار، ۲۳۸: ۱۳۵۸؛ آیتی، ۱۳۸۳: ۳۶۵؛ پطروشفسکی، ۱۳۴۴: ۲/۲۷۳). قنلقا (قنلغه)، کلمه ترکی بوده به معنی اجبار در منزل دادن به کسی. پطروشفسکی آن را مترادف با نزول دانسته که به معنی حق اقامت است و آن پذیرایی و اسکان دولتیان و لشکریان توسط مردم و فراهم کردن امکانات راحتی برای ایشان است (پطروشفسکی، ۱۳۴۴: ۲/۲۹۵؛ بوسه، ۱۳۶۷: ۱۷۳).

الام، پرداخت مخارج نگاهداری پیک‌ها توسط رعایا است (پطروشفسکی، ۱۳۴۴: ۲/۳۰۰؛ آیتی، ۱۳۸۳: ۳۶۰). الاغ، اسبان چاپار و پیک که رعایا به درخواست رئیس چاپار برای عبور خدمتگزاران دولت از یک ایستگاه یا مرکز چاپار به ایستگاه دیگر در اختیار ایشان می‌گذاشتند (رشیدالدین فضل‌الله، سوانح الافکار، ۱۳۵۸: ۲۳۸؛ قائم‌مقامی، ۱۳۴۸: ۱۴؛ پطروشفسکی، ۱۳۴۴: ۲/۲۹۹).

نیز حقوق و عوارضی که برای پیک‌ها یا چارپایان متعلق به پیک‌ها می‌گرفتند (لمبتون، ۱۳۶۲: ۷۵۵). بیگار، همان بیگار بوده، به معنی کار اجباری رعایا به نفع دولت در امور آبیاری و ساختمانی (پطروشفسکی، ۱۳۴۴: ۲/۲۹۰). شکار یا شیگار و حشر، احتمالاً مترادف با بیگار است (پطروشفسکی، ۱۳۴۴: ۲/۲۹۱). طرح، واژه عربی بوده و به معنی فروختن غلات و سایر اجناس دولتی که به خراج گرفته می‌شد به مردم به بهایی گران‌تر از قیمت متداول (آیتی، ۱۳۸۳: ۳۶۵؛ و صاف، ۱۳۳۸: ۳۶۳؛ شریک‌امین، ۱۳۵۷: ۱۶۸؛ پطروشفسکی، ۱۳۴۴: ۲/۲۸۹). دست‌انداز هم حواله و بی حساب، نوعی خراجی که از قراء می‌گرفتند. خانه‌شمار، این مالیات از هر خانه و یا از هر خانوار دریافت می‌شد (پطروشفسکی، ۱۳۴۴: ۲/۲۷۸). سرشمار هم مالیات سرانه ای بوده که از رعایای غیر صحرا نشین می‌گرفتند (پطروشفسکی، ۱۳۴۴: ۲/۲۶۶). عیدی، هدیه ای که به مناسبت دو عید مسلمانان فطر و قربان تقدیم می‌شده است (پطروشفسکی، ۱۳۴۴: ۲/۲۸۷). ونوروزی، هدیه ای که به مناسبت جشن نوروز ایرانیان اهدا می‌شد (پطروشفسکی، ۱۳۴۴: ۲/۲۸۷).

طبق نظر بوسه، برخی اصطلاحات فوق از جمله علفه، علوفه، قنلغا، الاغ و الام، مربوط به عوارضی است که با عبور و مرور و مواظبت مأموران ارتباط دارد (پطروشفسکی، ۱۳۴۴: ۲/۱۷۳). بردسیری هم به این مسئله اشاره دارد «به هر جا می‌رسیدند علوفه و اقامت و نعل بها و قنلغا از رعایا می‌گرفتند» (بردسیری، ۱۳۶۹: ۵۵۰).

در فرمانی از شاه سلطان حسین مبنی بر معافیت مالیاتی سیورغال آقا کمال، موارد بالا را جزو عوارض مسدوده الابواب محسوب کرده و غیر از آن‌ها مواردی چون یراق پوشی ایام عاشورا^۱ و تکالیف ممنوعه، رسم المهر، عشر و ده نیم^۲، رسوم میرابی، حواله تفنگچی چریک و مقطعی، شاطر دوانی^۳، وجوه محترفه، کندلک، مشتلق^۴، اسب چاپار را آورده است که بیانگر گسترش معافیت مالیاتی سیورغالات و نیز تنوع مالیات‌ها در دوره سلطان حسین و اواخر صفوی است. البته اصطلاح استصوابیات در این فرمان در کنار اخراجات و مالوجهات آمده است (جعفریان، ۱۳۷۹: ۲/۹۱۸، ۹۳۶، ۹۳۷).

در دوره افشاری هم استصوابیات به عنوان نوعی مالیات به کار رفته است. شاهرخ در فرمان (۱۱۶۳) به متولی امامزاده شاهزاده حسین قزوین، استصوابیات را به همراه بیگار و شکار آورده است «عوارضات و استصوابات و بیگار و شکار به موقوفات و مدد معاش محال مزبور حواله نمایند» (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۱: ۲۳۴).

در فرمان کریم خان زند در سال ۱۱۷۶ به میرزا خانی، اصطلاح استصوابیات در کنار عوارضات قرار گرفته و برادر وی از پرداخت «عوارض و استصوابیات» معاف شده است (مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سال ۱۱۷۶ق، سند ۱۵۶۴۷۰). نیز در فرمانی به سال ۱۲۱۲ - اوایل دوره قاجار - این اصطلاح دیده می شود.

قرای مفصله سادات را از عوارضات و استصوابیات و اخراجات ولایتی و تکالیف شاقه و سایر مواد معاف و مسلم داشته که همان ملازمهای رسدی خودشان و اخراجات آنها را داده، زیاده ازایشان مطالبه نموده، مزاحم نشود (ستوده، ۱۳۷۷: ۱۰۱/۶).

در هر سه سند مذکور تنها به واژه «استصوابیات» اشاره کرده و از مالیاتهای زیرمجموعه آن خبری نیست. اما همان مفهوم مالیات را دربرمی گیرد.

بنابراین می توان گفت اصطلاحات ذکر شده - اخراجات، تکالیف، عوارضات و استصوابیات - به مجموعه ای از مالیاتهایی تلقی می شود که بنا به صلاح دید حکومتها و نظام مالیاتی ایشان، از مردم گرفته می شد. با توجه به مفاهیم مالیاتهای گرفته شده، این اصطلاحات، مربوط به مالیاتهای غیر رسمی بود. در متنی از دوره حکومت نادرشاه، در تقسیم اخراجات حکمی و استصوابی آنها را به «مستمری» و «غیر مستمری» تقسیم کرده که مستمری شامل محاسبه هر ساله و حاوی رسومات کلاتتری و داروغگی و رسم الحساب می شد. اما غیر مستمری که استصوابی بوده، دربرگیرنده وجه صادر و وارد ایلچیان، مدد خرج و حق السعی محصلان و از این قبیل چیزها مثل نوروزی، سلامانه و مقرریات مخترعه می گردید (ذوالفقار بن محاربی، مجمع الحساب: ب ۱۵۲).

بررسی اصطلاحات فوق که به مجموع آن استصوابیات و اخراجات دیوانی گفته می شد، حاکی از وجود این اصطلاحات از عهد پیش از صفوی و به ویژه دوره مغول است که بیانگر سنتهای مالیاتی ترکی و مغولی در جامعه شهری ایرانی و تداوم آن تا دوره قاجار است.

به طور عمده استصوابیات و اصطلاحات فوق در احکام سیورغالات ذکر شده و به عنوان معافیت مالیاتی برای فردی که سیورغال به وی واگذار شده، در نظر گرفته می شد (ستوده، ۱۳۷۷: ۲۳/۶). صاحب دریافت کننده سیورغال و رعایا و کارکنان وی از پرداخت مالیات های فوق معاف بودند (مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سال ۱۰۵۹ق، سند ۲۹۱۵۱، ص ۱). وزیر و مستوفی الکاء مذکور باید به اجرای فرمان پایبند باشند «بی وقوف و شعور و تجویز او مدخلی در توجیهاات و تخصیصات و وجوهات دیوانی و خارج المال و استصوابیات ننمایند و یک دینار بی مهر او به هیچ وجه من الوجوه به توجیه درنیاورند» (قائم مقامی، ۱۳۴۸: ۵۵). فرمان معافیت از مالیات تا اطلاع ثانوی معتبر بوده و نیازی نبود که هر ساله فرمان جدیدی صادر شود (ستوده، ۱۳۷۷: ۵/۸). ظاهراً معافیت از پرداخت استصوابیات، مستمر و موروثی بوده و شامل دوره های بعدی هم می گردید و حتی در فرمان های بعدی در مورد سیورغال مذکور به سابقه آن اشاره می شد. به طوری که در حاشیه فرمان مورخ ۱۶ محرم ۱۱۶۲ از ابراهیم شاه نادری (۱۷ ذی حجه ۱۱۶۱ - ۱۷ محرم ۱۱۶۳) در بازگرداندن املاک وقفی آستانه شاهزاده حسین قزوین به متولی، همان شرایطی که در فرمان شاه سلیمان آمده تکرار شده، یعنی والیان محلی اعم از وزیر و کلاتر نباید دیناری عوض صادرات و استصوابیات از متولی و خدمه دریافت کنند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۱: ۲۲۳).

گاهی این معافیت شامل صاحبان صنایع می شد؛ در فرمانی از شاه عباس دوم، «ارباب حرفت و صنعت استرآباد» را از اخراجات حکمی و غیر حکمی و اتفاقی و غیر اتفاقی و استصوابی و سایر عوارضات و مطالبات معاف دانسته است (ستوده، ۱۳۷۷: ۳۳/۶). البته دامنه معافیت های مالیاتی در این فرمان بیشتر از موارد فوق است.

جدای از معافیت مالیاتی صاحبان سیورغال از استصوابیات، این مساله برای متولیان برخی موقوفات هم کاربرد داشت؛ در فرمان شاه سلیمان صفوی مورخ صفر ۱۱۰۳ در واگذاردن تولید آستانه شاهزاده حسین قزوین با موقوفات و سیورغال و مستمریات آن به میر محمد نصیر مرعشی، والیان و حکام و کلاتران و محصل قزوین نباید دیناری از بابت صادرات و استصوابیات دریافت کنند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۱: ۱۸۱).

البته گاهی این معافیت شامل سادات هم بود؛ در فرمان رستم بهادر آق قوینلو در سال ۹۰۲ درباره معافیت از مالیات (اربیل)، برای سید سراج الدین قاسم و عمویش طاهر در منطقه باقر داغ، ایشان و سادات مزرعه را از مال و اخراجات و خارجیات اعم از علفه و علوفه و

قتلغا و غیره و سایر تکالیف دیوانی معاف نموده است. منتهی در این فرمان واژه استصوابیات ذکر نشده و تنها مالیات‌های زیرمجموعه آن قید شده است (Roemer, ۱۹۶۰: ۲۷۳-۸۷).

البته جدای از گروه‌های فوق، گاهی به عامه مردم نیز معافیت مالیاتی از نوع استصوابیات تعلق می‌گرفت. به طوری که در فرمان احمد شاه درانی، مردم از پرداخت این مالیات به مدت دو سال معاف شدند «که صادرات مملکتی و استصوابی و تحمیلات بیگار و شکار و متوجهات و حوالات جمیعا و تماما الی دو سال کامل به سکنه ممالک محروسه معاف دارند» (حسینی منشی، ۱۳۸۶: ۲۹۱).

دریافت تمامی مالیات‌ها از جمله اخراجات و استصوابیات زیر نظر وزیر بود و کلانتران و محمصان حق نداشتند بدون نوشته و رقم وی وجهی از مردم طلب کنند (برن، ۱۳۴۹: ۱۶۱). در زیرمجموعه وی، محمص مملکت که در واقع نویسنده کلانتر بود قرارداد داشت. وظیفه وی این بود که علاوه بر ثبت سررشته بنیچه اصناف، بروات دیوانی و سایر استصوابیات مملکتی آن سال را به توجیه درآورد و توجیه نامچه را به مهر کلانتر برساند. پس از آن محصلان دیوانی این مالیات را مطالبه و رعایا سهم خود را می‌پرداختند (میرزا رفیعا، ۱۳۸۰: ۵۶۱، ۵۹۶).

این مسئله نشان می‌دهد که دریافت استصوابیات سالیانه بوده و نیز در شرح وظایف فوق اشاره دارد که استصوابیات مملکتی که به «تقریبات مختلفه» روی دهد (میرزا رفیعا، ۱۳۸۰: ۵۹۹). که حاکی از زیرمجموعه‌های متنوع استصوابیات است.

غیر از مفاهیم فوق برای استصوابیات، گاهی مفهوم حواله دیوانی در اسناد داشته است؛ در سندی به سال ۱۱۴۷ استصوابیات را جزو حوالجات دیوانی برشمرده «دیگر دینار و حبه به هیچ اسم و رسم از بابت خارج المال و استصوابیات و عوارضات و سیورسات و اسب چاپار و غیره حوالجات دیوانی نمی‌داده باشند» (مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سال ۱۱۴۷ق، سند ۳۵۴۸۰، ص ۱).

مینورسکی در مقاله سیورغال، به نقل از فرمان سلطان یعقوب در ۸۹۳ق، از دو نوع «دوشلک» یکی حکمی و دیگری استصوابی نام برده است که استصوابی را نوعی خارجیات که به صورت جمعی یا موردی وضع شده می‌داند. البته در فرمان مزبور واژه استصوابی نیامده است و شاید این تعریف وی از اصطلاح دوشلک باشد (Minorisky, ۱۹۳۹: ۹۵۴).

هم چنین مارچینکوفسکی در تعلیقات دستور الملوک، استصوابیات را به لحاظ لغوی همان مصوب معنی کرده، اما در معنی اصطلاحی آن را تعیین تیول که به‌عنوان ضمیمه‌ای

معین به یک منصب واگذار می‌شد و از یک صاحب‌منصب به جانشین او منتقل می‌گردید، دانسته است (میرزا رفیعا، ۱۳۸۰: ۵۵۴). با توجه به تعاریف و کاربردی که در خصوص استصوابیات آمد، نمی‌توان نظر مارچینکوفسکی را در این خصوص پذیرفت. فلور نیز در توصیف تیول، استصوابی را به معنی مواجب دوره قاجار معنی کرده که در زمان صفویه به عنوان مواجب پیوست یک وظیفه پرداخت می‌شد (فلور، ۱۳۹۴: ۶۸ و ۶۷۴). و استصوابیات را واژه‌ای همگانی بر تعرفه‌های قانونی برای خدماتی مانند رسم، حق، وجه و غیره معنی کرده است (فلور، ۱۳۹۴: ۶۷۴). اما فلور مفهوم استصوابی در دوره قاجار را به دوره صفوی منتسب کرده است و نظرش در مورد استصوابیات تا حدودی با مفهوم آن که مجموعه‌ای از مالیات‌ها بوده نزدیکتر است. هرچند که بیشتر از این توضیح نداده است.

۲.۳ کاربرد استصوابیات در دفاتر توجیهات

همان‌طور که در ذکر وظایف محصص مملکت آمد، وی موظف بود تا بروات دیوانی و استصوابیات مملکتی را به توجیه درآورد و توجیه نامچه را به مهر کلانتر برساند. به نظر می‌رسد استصوابیات به عنوان معافیت مالیاتی در واقع تحمیل نوعی هزینه بر دیوان محسوب می‌گردید. برای همین در دفتر توجیهات که مربوط به ثبت هزینه‌های دیوان بود این اصطلاح قید شده است. نمونه موردی آن دفاتر توجیهات آستان قدس^{۱۴} است که در ذیل عوض‌المذکور، واژه استصوابیات نوشته شده است (سند شماره یک).

این اصطلاح، از زمان شاه‌عباس اول، در این دفاتر باب شده و تا زمان سلطان حسین ادامه دارد. در دوره تهماسب دوم و عباس سوم اثری از آن دیده نشد. دامنه هزینه‌هایی که در ذیل آن درج می‌شد نیز از زمان شاه‌عباس دوم افزایش می‌یابد. به‌طوری‌که در زمان شاه‌عباس اول، تنها هزینه مرمت نهر آب خیابان برحسب فرمان شاه است (مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سال ۱۰۳۷ق، سند ۳۱۸۲۸، ص ۱). در دوره شاه‌عباس دوم، موارد دیگری به آن اضافه می‌شود. استصوابیات در این دفاتر، مجموعه‌ای از هزینه‌هایی است که توسط آستان قدس برای دیوان و مشهد صورت گرفته است. استصوابیات به دودسته مشهد و ولایات تقسیم می‌شد.

در حوزه مشهد، هزینه‌های ذیل قرار می‌گرفت: تأمین علوفه ایلچی والی بخارا، وجوه مدد خرج عمله مرو شاهجهان و عساکر منصوره و تفنگچیان، هزینه مرمت قلعه مبارکه مشهد، مرسوم بنا و بیلداران و سقایان و کدخدای قلعه مبارکه مشهد، رسم الوزاره مشهد

مقدس، رسم الوزاره وزیر خراسان، مدد معاش ارباب قندهار، رسوم کلانتری، رسوم اوارجه نویسی، تعمیر ضروریات عمارات چهارباغ مشهد، مخارج نهر آب مبارک، هزینه‌های میهمانان دربار تحت عنوان «اخراجات میهمانان سرکار خاصه شریفه» (مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سال ۱۱۱۱ق، سند ۳۳۳۷۸، ص ۳ و ۵).

و مخارجی که بابت ضرب سکه در مشهد طبق فرمان شاه تحت عنوان «عوض واجبی»^{۱۵} فلوس^{۱۶} کاری مشهد انجام می‌گرفت و حاصل آن توسط وزیر خراسان جهت دیوان ضبط می‌گردید (مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سال ۱۱۱۱ق، سند ۳۳۳۷۸، ص ۳ و ۵).

در حوزه ولایات، عمدتاً دو ولایت نیشابور و جام نوشته‌شده و در ذیل آن هزینه‌هایی که ظاهراً تأمین آن بر عهده این ولایات بود نوشته می‌شد که شامل اخراجات و هزینه‌های مزارعی که سیورغال بود، رسم الاستیفا، رسوم داروغه، دفترخانه و رسوم اوارجه نویسی سرکار خاصه، مددخرج، رسم الوزاره، رسوم کلانتری، اخراجات حکمی، مالوجهات رسوم وزیر و مستوفی و هزینه محالاتی که جدید خریداری شده بود، تأمین علوفه، مددخرج و رسوم، جزو همان زیر مجموعه‌های استصوابیات است که به آن اشاره گردید. در واقع در این قسمت، محل تأمین این هزینه‌ها مشخص شده است. گاهی پرداخت استصوابیات بر عهده مستأجران موقوفات در قرارداد اجاره قرار می‌گرفت (مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سال ۱۰۳۶-۱۰۳۹ق. (دفتر اوارجه)، سند ۳۱۷۷۹، ص ۴۹). حتی در شرطنامه‌چین بین مالک و مستأجر، این مسئله و مدت‌زمان آن مشخص می‌شد «از ابتدای لوی نیل لغایت سه سال به قید آنکه مالوجهات و وجوهات و استصوابیات و حقوق دیوانی به هر اسم و رسم که باشد در عهده مستأجران مذکوره بوده» (مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سال ۱۰۳۶-۱۰۳۹ق. (دفتر اوارجه)، سند ۳۱۷۷۹، ص ۴۹).

برخی موارد تأمین هزینه‌ها، توسط کدخدایان مزارع انجام می‌شد «جام عن مزرعه سمنجان از قرار برات به تاریخ شهر ذی‌قعدة سنه ۱۰۶۷ آنکه عوض وجوه مدد خرج نواب سلطنت پناه جهانبانی عالیجاهی محمدمین خان و جریبانه و (?) تحصیلدار وجه مذکور و غیره که درین ولا کدخدایان حسب‌الصلاح یکدیگر بر بنیچه^{۱۷} موجود و ارتفاعی^{۱۸} و سایر الوجوه به (?) درآورده‌اند» (مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سال ۱۰۶۷ق، سند ۳۳۴۷۸، ص ۱).

معمولاً در ذیل استصوابیات برات صادرشده در وجه افراد، ثبت می‌شد. در این برات‌ها محل پرداخت و علت آن مشخص می‌شد: «برات به تاریخ شهر ربیع‌الاول سنه ۱۰۶۸، آنکه عوض اخراجات حکمی که در (?) سابق‌الابتداء قوی نیل لغایت تخاقوی نیل که در ولایت

نیشابور به حصه درآمد در وجه مدد خرج عالی حضرت سلطنت و شوکت و اقبال پناه، عظمت و اجلال دستگاه، عالی جاهی سلاله دودمان، شمس محمدامین خان که حسب الحکم جهان مطاع آفتاب شعاع، همه ساله از بابت وجوهات نیشابور مقرر است» (مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سال ۱۰۶۷ق، سند ۳۳۴۷۸، ص ۳).

مستوفی موظف بود برات را در دفتر ثبت و ضبط نموده و تنخواه به نام افراد صادر کند (مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سال ۱۰۶۷ق، سند ۳۳۴۷۸، ص ۳). وکیل زراعت سرکار فیض آثار هم محل خرج کرد هزینه‌های فوق را که در قالب برات و قبض وصول در دفتر توجیه ثبت شده بود، از بابت خارج المال می نوشت. گاهی به وی دستور داده می شد تا از بابت خارج المال علی الحساب پرداخت انجام شود.

تمامی این پرداخت‌ها به دستور شاه و همه ساله بوده و به رقم و تأیید متولی می رسید. در واقع در استصوابیات، بیشتر برات‌ها عوض حواله دیوان صادر می شد. احتمالاً آستان قدس در این زمان برخی مخارج مربوط به دیوان، همچون مواردی که ذکر شد را برعهده گرفته است. محل این پرداخت‌ها از سیورغالات و مزارع وقفی بود (مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سال ۱۰۹۱ق، ۳۳۰۷۰؛ سال ۱۰۳۷، سند ۳۱۸۲۸؛ سال ۱۱۰۲، ۳۲۴۵۳؛ سال ۱۰۶۷، ۳۳۴۷۸، ص ۱).

بنابراین در دفتر توجیهات، استصوابیات نوعی هزینه خاص محسوب می گردید. با توجه به مواردی که در ذیل آن در دفتر توجیهات آستان قدس آمده، به نظر می رسد این نوع هزینه‌ها را می توان هزینه‌های غیر مستمر تلقی کرد که گاهی بر دیوان تحمیل می شده است. هزینه تعمیر نهر خیابان و یا ضرب سکه جزو همین هزینه‌ها محسوب می گردند. نکته دیگر آن که محل پرداخت این هزینه‌ها از سیورغالات بود. با توجه به مباحثی که در قسمت معافیت مالیاتی سیورغالات مطرح شد، شاید بتوان گفت تمامی سیورغالات بهره‌مند از معافیت مالیاتی که پیش از این به آن اشاره شد نبوده‌اند و حتی محل پرداخت هزینه‌های غیر رسمی دیوان محسوب می شدند.

۳.۳ استصوابیات به مثابه نوعی مواجب

در دوره قاجار استصوابیات هم به مثابه نوعی حواله دیوانی بوده است. فروغ اصفهانی، استصوابی را [حواله‌ای] دانسته که «هرساله حاکم به محاسب می دهد که در تصویب و تصحیح عمل آن بکوشد و نگذارد به او زیادتی نمایند» (فروغ اصفهانی، ۱۳۷۸: ۲۷۱).

مفهوم دوم این کلمه که بیشتر در اسناد و منابع رواج داشته، نوعی موجب و مستمری بوده است. معمولاً هم با این دو واژه به کار می‌رفت. «هنوز از استصوابی ولایات و خرج سفره دیناری عاید او نشده بود، که پس از عزل صدراعظم، عزل او فراهم آمد» (افضل الملک، ۱۳۶۱: ۱۷۰). «یک نفر حاکم در این خیال است که به اسم موجب و مستمری و استصوابی و خرج مطبخ و خرج اصطبل او بگیرد و سیر شود» (زین العابدین مراغه ای، ۱۳۸۵: ۴۲۵/۲، ۳۸۱).

ظاهراً در منطقه ترکستان هم این واژه به مفهوم موجب به کار رفته است؛ پاشینو در ضمن سفر به ترکستان به سربازان روسی اشاره دارد که در عوض خدمات دولتی به ایشان «وجهی استصوابی» می‌دادند (پاشینو، ۱۳۷۲: ۶۵).

دقیقاً معلوم نیست استصوابی به چه کسانی تعلق می‌گرفته است. در کتابچه جمع و خرج سال ۱۳۰۴ق. به برخی زنان، شاهزاده‌ها، وزیر اعظم، وزرای دفتر و برخی امرای لشکر استصوابی تعلق گرفته است (بیانی، ۱۳۹۱: ۱۳۹، ۵۵۹، ۱۸۴، ۳۸، ۲۵، ۲۸). نیز ولیعهد و امین لشکر برخوردار از استصوابی بودند (دفترتاریخ، ۱۳۸۷: ۴۳۶/۳).

میزان پرداختی استصوابی گاهی از موجب کمتر و گاهی از انعام بیشتر است. شکل پرداخت آن به صورت نقدی و جنسی بوده که موجب جنسی شامل غله، شلتوک و گاه می‌شد (بیانی، ۱۳۹۱: ۱۷۹).

گاهی محل پرداخت استصوابی مشخص شده، مثلاً در مورد شوکت السلطنه آورده که از تیول و محل کردستان، مازندران و تهران است (بیانی، ۱۳۹۱: ۳۳). در مورد وزیر نظام نوشته شده مبلغی که سواى استصوابی حکومتی که در وزارت داده می‌شود به وی می‌دادند (بیانی، ۱۳۹۱: ۱۴۲). گاهی محل پرداخت استصوابی از محل خرج کرد برخی مناطق بود «از بابت استصوابی که چون از بابت تفاوت عمل قزوین به خرج آمده بود کسر نموده موضوع می‌شود تا در محل دیگر تعیین شود» (بیانی، ۱۳۹۱: ۱۸۴). برای برخی مخارج، از استصوابی (موجب) فرد کاسته می‌شد «صرف تعمیر چاپارخانه‌ها که از استصوابی حاکم کسر شده» (بیانی، ۱۳۹۱: ۸۵۸).

هم چنین طبق خاطرات نظام السلطنه مافی، ظاهراً برای تامین کسری بودجه دولت از میزان موجب و مقرری و انعام و استصوابی کسر می‌کردند. این نشان می‌دهد که شاید استصوابی به صورت دائمی هم پرداخت می‌شده است (نظام السلطنه مافی، ۱۳۶۲: ۶۵۵).

نیز ممکن بود استصوابی به عنوان اضافه حقوق فرد تعلق بگیرد «مستشار الملک خراسانی به پانصد تومان اضافه مواجب و استصوابی به علاوه استیفای خراسان و سررشته داری کل مالیات خراسان سرفراز شد» (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ۱۷۹۶/۳).

پرداخت استصوابی به صورت سالیانه و مطابق دستور العمل صورت می گرفت. محل دستور العمل هم مشخص می گردید (مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سال ۱۲۹۰ق، ۹۲۷۴۷). و برای آن برات صادر می شد (تصویر شماره دو). فرد بعد از دریافت مواجب، قبض رسید می داد (مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سال ۱۳۰۲ق، ۱۱۰۱۲۵).

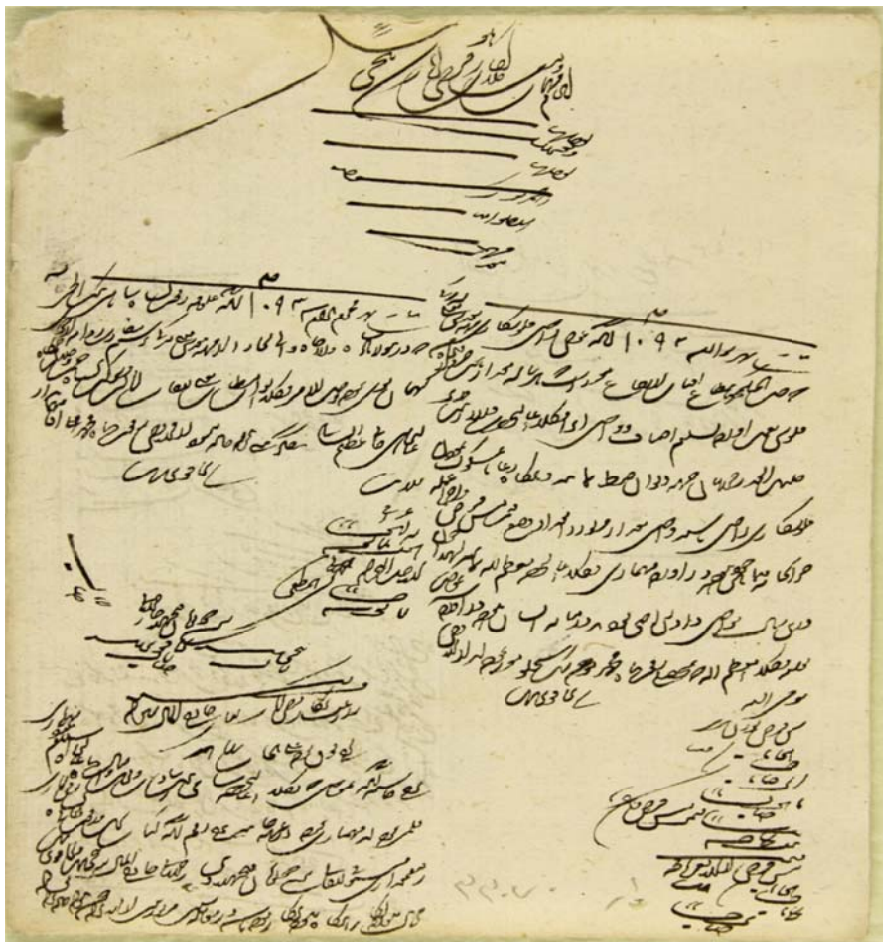
«مقرب الخاقان میرزا حسن مستوفی محاسب قزوین استصوابی معتمد السلطان معین السلطنه را مثل سنه ماضیه بیچی ٹیل و تخاقوی ٹیل که به خرج قزوین آورده اید در سنه آتیه ایت ٹیل قزوین هم کما فی السابق به خرج دستور العمل منظور دارید که کما فی السابق از آنجا دریافت نماید. فی شهر جمادی الاولی سنه ۱۳۰۳» (مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سال ۱۳۰۳ق، ۱۴۲۶۲۱). این پرداخت به شکل موروثی بوده و مانند مواجب بعد از فوت فرد، به ورثه هم تعلق می گرفت (نظام السلطنه مافی، ۱۳۶۲: ۶۶۶؛ والی زاده معجزی، ۱۳۸۰: ۵۷۶).

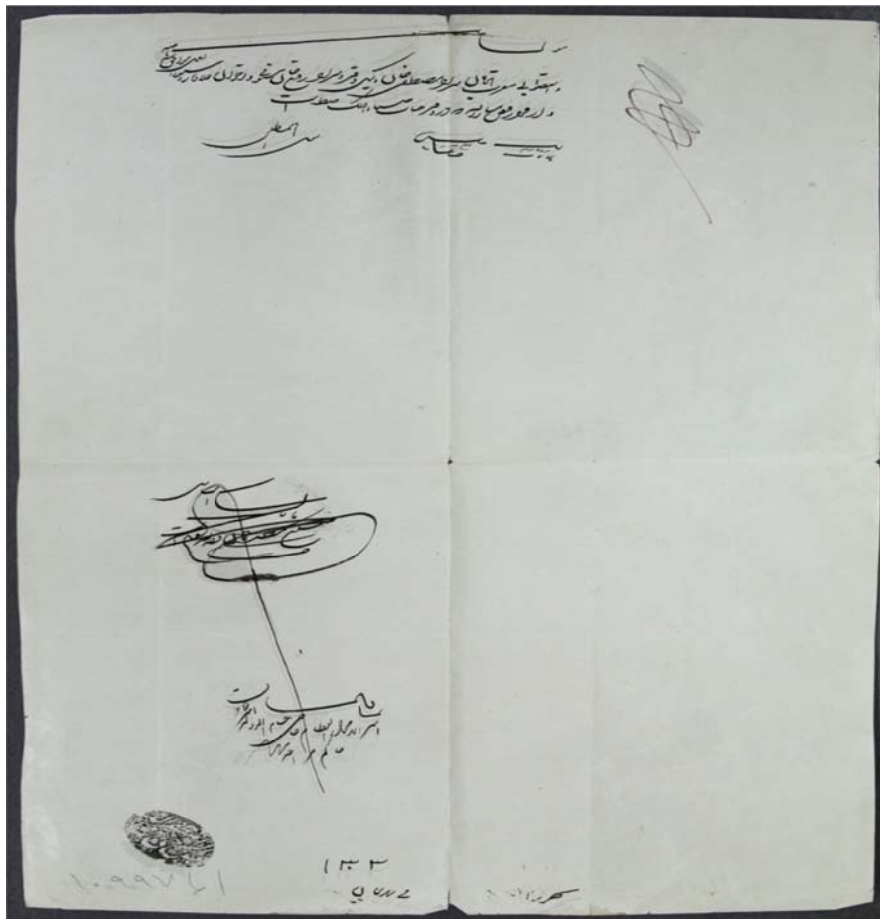
۴. نتیجه گیری

برای بررسی بیشتر نظام اداری و مالی ایران، لازم است به واژگانی که در متون و اسناد به کار می روند نگاه دقیق تری داشت و این واژگان را در بستر زمان مورد توجه قرار داد. با توجه به تعریفی که از استصوابیات و کارکرد آن در طول تاریخ به عمل آمد، باید این واژه را نوعی اصطلاح در نظام اداری و دیوانی ایران محسوب کرد که در هر دوره تغییرات محسوس داشته است. تا پیش از صفویه، مفهوم لغوی خود را در منابع حفظ کرده است. از دوره صفوی تا قاجار، علاوه بر حفظ معنی لغوی در برخی متون، به منزله مجموعه ای از مالیات ها بود که به آن ها معافیت تعلق می گرفت. و عموماً به همراه اخراجات، عوارضات و تکالیف دیوانی در اسناد به کار می رفت، عمده این معافیت ها در حوزه واگذاری سیورغالات کاربرد داشت. بیشتر این مالیات ها محصول سنت ترکی و مغولی بوده و به نوعی مالیات مربوط به جامعه کوچ نشین بود. در دفتر توجیهات بیشتر به عنوان نوعی حواله دیوانی به کار می رفت که محل تامین هزینه ها را به ویژه در خصوص دیوان مشخص می کرد و نوعی هزینه غیر مستمر و خاص بوده است. در دوره قاجار جدا از

مفهوم حواله دیوانی، در قالب نوعی مواجب و مرسوم کاربرد داشت و همراه با مواجب در اسناد و منابع این دوره به کار می‌رفت که میزان و مبلغ پرداختی آن متنوع است. بنابراین در سیر تغییرات بر این اصطلاح، باید سه مفهوم مجموعه ای از مالیات‌ها، حواله دیوانی و نوعی حقوق را در نظر گرفت که از عصر صفوی تا پایان قاجار بر این اصطلاح مترتب بود.

تصویر شماره یک: استصوابیات در دفتر توجی‌ها





تصویر شماره دو: پرداخت مواجب در دوره قاجار

پی‌نوشت‌ها

۱. ترجمه ای دیگر از این کتاب با عنوان «تاریخ مالی ایران در روزگار صفویان و قاجاریان» توسط ابوالقاسم سری در ۱۳۹۵ انجام شده است.
۲. ناظر استصوابی: ناظر فردی بوده که اعمال نماینده شخص یا اشخاصی را مورد توجه قرار داده و صحت و سقم آن عمل را می‌سنجد. ناظر استصوابی بر متولی موقوفه نظارت داشته و بر کار متولی نظارت می‌کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۳: ۷۰۶ و ۷۰۷).

۳. سلامی: هدیه و پیش کشی که به شخص بزرگ می دهند. پول مساعده و پیشکش، وجه پیشگی که کشاورز به حاکم می دهد برای گرفتن اراضی (دهخدا، ذیل واژه).
۴. تکالیف: در هند به معنی مالیات، عوارضی است (اصطلاحات اسناد، ۱۹۸۲).
۵. ساوری: به معنی پیش کش. در زمان صفوی به هدیه اجباری اطلاق می شده که تابعان به سلطان می دادند (پطروشفسکی، ۱۳۴۴: ۲۸۷). در ازای خدمت سپاهیان گاه ساوری ماهیانه تعیین می شد و به آنان تعلق می گرفت. جیره غذایی و تهیه خوراک سپاهیان و ملازمان بوده که به صورت وجه نقد نبوده که گاهی توسط رعایا تامین می شد. (علاقه، ۱۳۸۵: ۹۰).
۶. داروغگی: مالیاتی که به سود داروغه گرفته می شد (پطروشفسکی، ۱۳۴۴: ۲۸۶).
۷. احتساب: نهی از منکر، از وظایف محتسب بوده است. رک: دهخدا: ذیل واژه.
۸. دوشلک: رسوم متعلق به پیشکشی ها و عطایا (مینورسکی، تعلیقات مینورسکی بر تذکره الملوک، ۱۳۶۸: ۱۷۳).
۹. عسس: داروغه، محتسب
۱۰. یراق: وسایلی که اسب با آن مهیا می شود، ابزاری که در جنگ به کار می رود، رشته های بافته شده که برای تزئین لباس و پرده به کار می رود (فرهنگ سخن، ذیل واژه).
۱۱. ده نیم: به معنای خمس، یک قسمت از بیست قسمت، نیم عشر. (دهخدا: ذیل واژه).
۱۲. شاطر دوانی: شاطر اصطلاحاً به معنی نوکر بادپای شاهنشاه است، و جشن شاطر آزمایش تندروی کسی است که داوطلب خدمت در دربار شاه می باشد. کسی که در طلب این عنوان است باید در فاصله زمانی صبح کاذب و غروب مسافت یک فرسنگ و نیم فرانسوی از بیرون در کاخ شاهنشاه بدود و دوازده عدد تیر را طی دوازده بار رفتن و بازگشتن یکی پس از دیگری بیاورد. اگر از عهده چنین آزمایش برآمد به سمت شاطری پذیرفته می شود (شاردن، ۱۳۷۲، ۷۸۰/۲).
۱۳. مشتلق: جایزه و انعام. (دهخدا، ذیل واژه).
۱۴. دفتر توجیهات مربوط به ثبت هزینه های صورت گرفته در دیوان و اماکن مذهبی است. که نمونه موردی این دفاتر در مرکز اسناد آستان قدس رضوی از عصر صفوی تا پایان دوره قاجار موجود است.
۱۵. حاصلی را که ضربی باشیان ضابط و تحویلدار به جهت سرکار خاصه شریفه ضبط می نمایند واجبی می گویند و واجبی سرکار دیوان از طلا و نقره که در ضرابخانه مسکوک می شد. در سوابق ایام براین موجب بوده، طلا از قرار مثقالی سی دینار، نقره، از قرار مثقالی دو دینار و ثانیاً

- معیران تدریجاً به جهت کفایت سرکار دیوان بر قدر واجبی افزوده، طلا را از قرار مثقالی پنجاه دینار و نقره پنج دینار استمرار داده بودند. (میرزا سمیعا، ۱۳۶۸: ۲۲ و ۲۳).
۱۶. فلوس: فلس، پول سیاه، پشیز. سکه‌ای رایج در بعضی کشورهای عربی، مانند عراق. جمع فلوس
۱۷. بنیچه: ارزیابی مالیاتی دسته جمعی یک ده، صورت تقسیم مالیات. شاه تهماسب اول تمغا را لغو و مالیات معتدل تری برای پیشه‌ها و بازرگانی وضع نمود که بنیچه نامیده شد (روملو، ۱۳۸۴: ۴۲۸؛ پطروشفسکی، ۱۳۴۴: ۲۷۶).
۱۸. ارتفاعی: حاصل، محصول، نوعی خراج

کتاب‌نامه

- اشعری قمی، حسن بن محمد بن حسن، (۱۳۸۵). *تاریخ قم*، ترجمه: تاج‌الدین حسن بن بهاء‌الدین بن عبدالملک قمی، تحقیق: محمدرضا انصاری قمی، قم: کتابخانه مرعشی.
- اصطلاحات اسناد، (۱۹۸۳). *آرشیو ملی هند*، جلد اول، دهلی نو: ۱۹۸۲.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن بن علی، (۱۳۶۷). *تاریخ منتظم ناصری*، تصحیح: محمد اسماعیل رضوانی، ج ۳، تهران: دنیای کتاب.
- افضل الملک، غلامحسین. *افضل التواریخ*، (۱۳۶۱). تصحیح: منصوره اتحادیه، سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران.
- انوری، حسن، (۱۳۷۳). *اصطلاحات دیوانی دوره غزنوی و سلجوقی*، چاپ دوم، تهران: سخن.
- انوری، حسن، (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: سخن.
- آیتی، عبدالمحمد، (۱۳۸۳). *تحریر تاریخ و صاف*، چاپ سوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- باقریان موحد، رضا، (۱۳۹۳). *پیوندهای معنوی اصفهان و کربلا*، قم: مجمع ذخایر اسلامی.
- بردسیری، میرمحمدسعید مشیزی، (۱۳۶۹). *تذکره صفویه کرمان*، تصحیح: محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: نشر علم.
- برن، رهر، (۱۳۴۹). *نظام ایالات در دوره صفویه*، ترجمه: کیکاووس جهان‌داری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- بوسه، هربرت، (۱۳۶۷). *پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی بر مبنای اسناد دوران آق‌قویونلو و قراقویونلو و صفوی*، مترجم: غلامرضا ورهرام، تهران: موسسه مطالعات فرهنگی.
- بیانی، بهمن، (۱۳۹۱). *کتابچه جمع و خرج کل هذه السنه ایت نیل ممالک محروسه سنه ۱۳۰۴ ق*، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی.

- بیهقی، محمد بن حسین، (۱۳۸۸). *تاریخ بیهقی*، تصحیح: محمدجعفر یاحقی و مهدی سیدی، ج ۱، تهران: سخن.
- پاشینو، پیترا یوانوویچ، (۱۳۷۲). *سفرنامه ترکستان و ماوراء النهر*، به کوشش: جمشید کیانفر، مترجم: مادروس داوودخانف، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- پطروشفسکی، ای. پ. (۱۳۴۴). *کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول*، ترجمه: کریم کشاورز، ج ۲، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- جرفادقانی، ابوالشرف ناصح (۱۳۷۴). *ترجمه تاریخ یمینی*. تصحیح: جعفر شعار. چاپ سوم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. ۱۳۷۴.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۹). *صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست*، ج ۲، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جوینی، عظاملک بن محمد (۱۳۸۵). *تاریخ جهانگشای جوینی*، تصحیح: محمدقزوینی، اهتمام: شاهرخ موسویان، ج ۲، تهران: دستان.
- جهانگیر میرزا (۱۳۸۴). *تاریخ نو (حوادث دوره قاجاریه) از سال ۱۲۴۰ تا ۱۲۶۷*، به اهتمام عباس اقبال، تهران: نشر علم.
- حسینی منشی، محمود بن ابراهیم (۱۳۸۶). *تاریخ احمد شاهی*، تصحیح محمد سرور مولایی، تهران: عرفان.
- خور موجی، محمد بن جعفر بن محمد علی (۱۳۴۴). *تاریخ قاجار، حقایق الاخبار ناصری*، به کوشش حسین خدیو جم، ج ۱، تهران: زوار.
- خورشاه بن قباد (۱۳۷۹). *تاریخ ایلچی نظام شاه (تاریخ صفویه از آغاز تا ۹۷۲)*، تصحیح: محمد رضا نصیری و کویچی هانه دا، تهران: انجمن آثار و مفاخر.
- دفتر تاریخ (۱۳۸۷). *به کوشش ایرج افشار، ج ۳*، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت نامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران.
- ذوالفقار بن محاربی (مختار) متخلص به غافل، *مجمع الحساب*، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره بازیابی ۶۸۴۹.
- روستایی، محسن (۱۳۹۵). *ادبیات تاریخی و دیوانسالاری ایران «عهد مغول تا سرآغاز دولت صفوی»*، تهران: ندای تاریخ.
- روملو، حسن (۱۳۸۴). *احسن التواریخ*، تصحیح: عبدالحسین نوایی، تهران: اساطیر.
- ستوده، منوچهر و ذبیحی، مسیح (۱۳۷۷). *از آستارا تا استرآباد*، ج ۶ و ۸. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- سمیعا، محمد سمیع میرزا (۱۳۶۸). *تذکره الملوک سازمان اداری حکومت صفوی یا تعلیقات مینورسکی بر تذکره الملوک*، مترجم: مسعود رجب نیا، به کوشش: محمد دبیر سیاقی، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
- شاردن، ژان (۱۳۷۲). *سفرنامه شاردن*، ترجمه: اقبال یغمایی، ج ۲، تهران: توس.

۱۲۶ تغییر و تحول اصطلاح «استصوابیات» در نظام اداری و مالی ایران

شریک امین، شمس (۱۳۵۷). فرهنگ اصطلاحات دیوانی و دوران مغول، تهران: فرهنگستان ادب و هنر ایران.

علاقه، فاطمه (۱۳۸۵). اصطلاحات دیوانی عالم‌آرای عباسی، تهران: فرهنگستان هنر.

فروغ اصفهانی، مهدی بن باقر (۱۳۷۸). فروغستان: دانشنامه فن استیفا و سیاق، تصحیح: ایرج افشار، تهران: میراث مکتوب فروغ اصفهانی.

فلور، ویلم (۱۳۹۴). تاریخچه مالی - مالیاتی ایران از صفویه تا پایان قاجاریه، ترجمه: مرتضی کاظمی یزدی، تهران: نشر تاریخ ایران.

قائم‌مقامی، جهانگیر (۱۳۴۸). یکصد و پنجاه سند تاریخی از جلایریان تا پهلوی، تهران: ستاد بزرگ ارتشتاران.

کتبی، محمود (۱۳۶۴). تاریخ آل مظفر، به کوشش: عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.

کرمانی، ابواسحاق غیاث‌الدین (۹۵۱ ق.). سریع الحساب، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره بازیابی ۶۵۴۴.

لمبتون، ا.ک.س (۱۳۶۲). مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهرامیری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. لنگرودی، محمد جعفر جعفری (۱۳۸۳). ترمینولوژی حقوق، چاپ چهاردهم، تهران: گنج دانش.

مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۶۱). برگی از تاریخ قزوین تاریخچه‌ای از آستانه شاهزاده حسین و دودمان سادات مرعشی قزوین، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیه‌الله العظمی نجفی مرعشی.

مراغه‌ای، زین العابدین (۱۳۸۵). سیاحت نامه ابراهیم بیگ، به کوشش محمد علی سپانلو، ج ۲، تهران: آگاه.

مرکز اسناد آستان قدس رضوی، اسناد با شماره ۲۹۱۵۱. ۳۱۸۲۸. ۳۱۷۷۹. ۳۳۴۷۸. ۳۱۸۲۸. ۳۲۴۵۳. ۱۵۶۴۷۰. ۳۵۴۸۰. ۳۳۳۷۸. ۳۳۰۷۰. ۳۳۴۷۸. ۱۴۲۶۲۱. ۱۱۰۱۲۵. ۹۲۷۴۷.

مستوفی بافقی، محمد مفید بن محمود (۱۳۸۴). جامع مفیدی، به کوشش ایرج افشار، ج ۳، تهران: اساطیر. میرزا رفیعا، محمد رفیع (۱۳۸۰). دستور الملوک، دفتر تاریخ، به کوشش ایرج افشار، ج ۱، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

نخجوانی، محمد بن هندو شاه بن سنجر (۱۹۶۴). دستور الکاتب فی تعیین المراتب، تصحیح: عبدالکریم اوغلی علی زاده، ج ۱، مسکو: فرهنگستان علوم شوروی.

نرشخی، محمد بن جعفر (۱۳۶۳). تاریخ بخارا، تصحیح: محمد تقی مدرس رضوی، تهران: توس.

نظام السلطنه مافی، حسین قلی (۱۳۶۲). خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام السلطنه مافی، به کوشش سیروس سعدوندیان، معصومه مافی، منصوره اتحادیه، تهران: نشر تاریخ ایران.

نقیسی، علی اکبر (۱۳۵۵). فرهنگ نقیسی (ناظم الاطباء)، بی جا: کتاب فروشی خیام.

والی زاده معجزی، محمدرضا (۱۳۸۰). تاریخ لرستان: روزگار قاجار از تاسیس تا کودتای ۱۲۹۹، تهران: حروفیه.

الهه محبوب فریمانی و مه‌ری اد‌ریسی ۱۲۷

وصاف الحضره، عبدالله بن فضل الله (۱۳۳۸). *تاریخ وصاف الحضرة در احوال سلاطین مغول*، به کوشش محمد مهدی اصفهانی، بی جا: کتابخانه ابن سینا.

همدانی، رشید الدین فضل الله (۱۳۶۴). *مکاتبات رشیدی*، تصحیح: محمد شفیع، لاهور: بی نا.
همدانی، رشید الدین فضل الله (۱۳۸۷). *جامع التواریخ (تاریخ اسماعیلیان)*، مصحح: محمد روشن، تهران: میراث مکتوب.

همدانی، رشید الدین فضل الله (۱۳۵۸). *سوانح الافکار رشیدی*، به کوشش محمد تقی دانش پزوه، تهران: دانشگاه تهران.

Minorsky Vladimir (۱۹۳۹). "A Soyurghal of Qasin b. Jahangir Aq – Qoyunlu(903/1498)", bulletin of the School of Oriental and African Studies, Volume 9, issue4, february 1939. p۹۵۴.

– Roemer Hans Robert (1960). "Le Dernier Firman de Rustam Bahādur Aq Qoyunlu?." Bulletin de l'Institut d'Archéologie <http://www.asnad.org.orientale> 59: 273-87. 273-87, pl. I-II

(accessed: 17oct2016)